

فوتبال ایران

سیاتل، کانون لرنزش های فوتبالی

شبکه لرنزهنگاری شمال غرب اقیانوس آرام، با استقرار هفت لرنزهسنج در اطراف ورزشگاه سیاتل، به بررسی دقیق واکنش های پرشور هواداران فوتبال به گل های ثبت شده در مسابقات جام جهانی پرداخته است. این لرنزهسنج ها قادرند میزان جابجایی و تکان خوردن سازه ورزشگاه را در لحظات اوج هیجان تماشاگران، از جمله پریدن، تشویق، دست زدن و فریادهای همزمان، ثبت و اندازه گیری کنند. در میان حدود ۲۰ گل به ثمر رسیده در ۶ مسابقه برگزارشده در سیاتل، دو لحظه کلیدی در دیدار ایران و مصر، در صدر فهرست پرلرزش ترین واکنش های هواداران قرار گرفته است. نخست، گل رامین رضاییان به مصر که شتابی معادل ۲۰ میلی متر بر مجذور ثانیه را به ثبت رساند، و دیگری، گل شجاع خلیل زاده که پس از بازیبنی ویدیویی مردود اعلام شد، اما واکنش اولیه و انفجاری هواداران ایرانی به آن، به رقم خیره کننده ۳٫۳ میلی متر به مجذور ثانیه رسید. روزنامه سیاتل تایمز در گزارش خود اشاره کرده است که گل هابی که بیشترین لرزش را تولید کردند، شامل گل الکس فرمن برای آمریکا در برابر استرالیا و گل شجاع خلیل زاده برای ایران مقابل مصر بود. این رسانه همچنین توضیح می دهد که پس از مردود شدن گل ایران، لرزش جدیدی از جایگاه هواداران مصری به ثبت رسید، که نشان دهنده اوج شادی مصری ها و به دنبال آن، موجی از رهایی و خوشحالی در میان آنها در عرض چند ثانیه بود.

زویی گراوس، پژوهشگر شبکه لرنزهنگاری، در تحلیل این داده ها بیان کرده است که الگوهای حرکت زمین، حتی محل استقرار هواداران کشورهای مختلف را نیز مشخص می کند. به گفته وی، در بازی ایران و مصر، دو لرنزهسنج نزدیک به جایگاه هواداران ایران، واکنش قوی تری به گل سوم مسابقه نشان دادند و پس از مردود شدن گل، لرنزهسنج نزدیک تر به بخش هواداران مصر، بیشترین جابجایی را ثبت کرد.

برنامه ویژه فدراسیون فوتبال برای تیم ملی در راه جام ملت های آسیا

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران از برنامه ریزی جامع و ویژه ای برای آماده سازی تیم ملی فوتبال کشور در فیفادی های پیش رو خبر داد. این برنامه ریزی، با هدف ارتقای آمادگی بازیکنان و افزایش شانس موفقیت در جام ملت های آسیا انجام شده است که شامل برگزاری دو اردوی تدارکاتی در مناطق شرق و غرب آسیا و همچنین انجام دیدارهای دوستانه با تیم هایی از هر دو منطقه خواهد بود.

بر اساس اعلام فدراسیون، تیم ملی فوتبال ایران در ماه های سپتامبر و نوامبر سال جاری میلادی، به ترتیب در شرق و غرب قاره آسیا اردو خواهد زد. این اقدام استراتژیک، با هدف آشنایی ملی پوشان با سبک های گوناگون فوتبال آسیایی و کسب تجربه در مواجهه با تیم های مختلف این قاره اتخاذ شده است. یکی از نکات برجسته این برنامه، تمرکز بر برگزاری مسابقات تدارکاتی با تیم های قدرتمند شرق آسیا است. این تصمیم، با توجه به فرمت رقابت های جام ملت های آسیا که احتمال روبرویی ایران با تیم هایی نظیر کره جنوبی، ژاپن و سایر قدرت های شرق آسیا در مراحل حذفی را افزایش می دهد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کادر فنی تیم ملی بر این باور است که کسب تجربه بازی مقابل این سبک از فوتبال پیش از آغاز رقابت های رسمی، می تواند آمادگی ذهنی و فنی بازیکنان را به طور چشمگیری بهبود بخشد.

فدراسیون فوتبال ابراز امیدواری کرده است که با اجرای کامل این برنامه منسجم و فراهمند آوردن بهترین شرایط ممکن برای تیم ملی، بازیکنان با آمادگی کامل و روحیه ای بالا راهی جام ملت های آسیا شوند.

نان محلی و هلال احمر؛ فصلی نو در زندگی جهانبخش

علیرضا جهانبخش، ستاره فوتبال ایران که پس از حضور در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر به کشور بازگشته، این روزها فصلی متفاوت را در زندگی خود تجربه می کند. جهانبخش با انتشار ویدیویی از خود در حال پخت نان محلی در زادگاهش، استان گیلان، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این ویدیو که در روستای جیرنده داماش از توابع رودبار، زادگاه این بازیکن، ضبط شده، جهانبخش را در کنار تنور نانواایی سنتی نشان می دهد که مشغول تهیه نان محلی است؛ نانی که ظاهراً از سوغاتی های معروف این خطه به شمار می رود. این اقدام جهانبخش، تصویری دلنشین و متفاوت از او را به دور از هیاهوی مستطیل سبزه به نمایش گذاشته است. جهانبخش در جام جهانی اخیر، چهارمین حضور خود در این تورنگاه بزرگ را تجربه کرد و با ورود به زمین در دقایق پایانی دیدار با مصر، به رکورد ۱۰ بازی در جام جهانی دست یافت. این بازیکن ملی پوش که قراردادش با باشگاه فاینورد هلند به پایان رسیده و در حال حاضر بازیکن ار محبوب می شود، در دوران استراحت خود به سر می برد و گمانه زنی ها درباره تیم آینده او ادامه دارد. علاوه بر این، جهانبخش در سفر اخیر خود به ایران، فعالیت های اجتماعی خود را نیز گسترش داده و حضور در جمعیت هلال احمر استان گیلان، به عضویت این نهاد بشردوستانه درآمده است. این اقدام نشان دهنده علاقه و تعهد او به مسئولیت های اجتماعی خارج از زمین فوتبال است. به نظر می رسد که جهانبخش در این دوران استراحت، به دنبال تجربیات جدید و منابعش در زندگی شخصی و اجتماعی خود است.

وقتی روایت بیرانوند از جام جهانی جای واقعیت را می گیرد

هیا هو برای هیچ!

گزارش یک

سینا حسینی

خبرنگار

اظهارات اخیر علیرضا بیرانوند در یک برنامه تلویزیونی را نمی توان صرفاً در حد یک نظر شخصی ساده ارزیابی کرد؛ این سخنان بیش از هر چیز نشان دهنده نوعی فاصله گیری آگاهانه از واقعیت های فنی فوتبال ایران است. زمانی که دروازه تیم ملی، عملکردی مبتنی بر سه تساوی در مرحله گروهی جام جهانی ۲۸ تیمی را «بی نظیر» توصیف می کند و حتی از ساخت مجسمه برای سرمربی سخن می گوید، این پرسش جدی مطرح می شود که معیار این «بی نظیر بودن» دقیقاً چیست و بر چه مبنایی چنین قضاوتی صورت می گیرد. فوتبال حرفه ای، برخلاف روایت های احساسی، بر پایه داده، تحلیل و خروجی قابل اندازه گیری تعریف می شود. تیمی که نتوانسته از مرحله گروهی صعود کند، چگونه می تواند مدعی ثبت یکی از بهترین نتایج ممکن باشد؟ چنین ادبیاتی نه تحلیل فنی، بلکه نوعی بازنمایی اغراق آمیز از واقعیت است که در نهایت به تحریف افکار عمومی منجر می شود. اگر این سطح از عملکرد مستحق ستایش تلقی شود، باید در تعریف موفقیت در

پشت پرده غیبت بازیکن دورگه تیم ملی در جام جهانی فاش شد

شاهکار معکوس اکرت!

جنگال روز

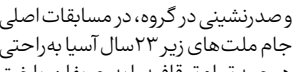
مرتضی طهوری

خبرنگار

دعوت از دنیس اکرت یکی از جنجالی ترین، متفاوت ترین و در عین حال ناکام ترین تصمیمات کادر فنی تیم ملی ایران در مسیر جام جهانی ۲۰۲۶ بود؛ مهاجمی متمایز که در اتمسفر فوتبال اروپا رشد کرده، برای دریافت تابعیت ایرانی مسیریای پیچیده اداری فدراسیون را طی کرد، به فهرست نهایی رسید اما در پایان تورنمنت با ثبت عدد فاجعه بار «صفر دقیقه» پرونده اش بی هیچ خروجی بسته شد تا این پروژه زیر دره بین جدی کارشناسان قرار بگیرد. در فوتبال مدرن، جذب بازیکنان دورگه یک مانیفست پذیرفته شده است و فدراسیون های بزرگ جهان سال هاست از این ظرفیت بهره می برند؛ بنابراین اصل حرکت به سمت جذب اکرت محل مناقشه نیست. مسأله از جایی آغاز شد که بازیکنی با این حجم از سرمایه گذاری، ارزی، بوروکراسی اداری، جنگال رسانه ای، اشغال یک سهمیه فنی، حتی یک دقیقه هم فرصت حضور در زمین جام جهانی را پیدا نکرد. اکرت با کارنامه ای قابل قبول از لیگ بلژیک به اردوی یوزها دعوت شد تا در غیاب سردار آزمون وزن خط حمله را بالا ببرد، اما دکوپاژ عملی امیر قلعه نویی هیچ نسبتی با تصورات

سوت پایان حسرت نیم قرنی؟

استفاده بهینه از غنیمت های سوخته قلعه نویی در ناگویا



و صد رنشتنی در گروه، در مسابقات اصلی جام ملت های زیر ۲۳ سال آسیا به راحتی هرچه تمام قافیه را به حرفیان باخت و سناریوی تکراری حذف را امضا کرد، فدراسیون فوتبال دست به یک جراحی استراتژیک، پریسک و عمیق زد. این بار، بجای پناه بردن به نام های سنتی بازار مربیگری یا گزینه های موقت کارنامه ساز، قرعه فال به نام حسین عبدی افتاد؛ تکنسینی بی حاشیه، دیسپلین گرا و ساختارشناس که با کارنامه درخشان در رده های نوجوانان و جوانان، متخصص واقعی احیای ریشه ها و استخراج استعداد از زمین های خاکی تا کمپ های ملی محسوب می شود.

نخستین پالس های مثبت و نویدبخش این ریل گذاری جدید، در نخستین اردوی تدارکاتی تیم در خاک آناتولیای ترکیه و چمن مسابقه با کاپرسی اسپور (نماینده باسابقه و فیزیکی سوپرلیگ ترکیه) رؤیت شد. پیروزی یک بر صفر امیدها در این کارزار شبیه سازی شده، فراتر از نتیجه عددی روی تابلو، از یک هویت تاکتیکی تازه، سیستم دفاع-تحریر مدرن و سرعت بالا در انتقال توپ پرده برداشت. شاه بیت این مسابقه، درخشش خیره کننده جوانانی بود که در ویرتین مسن، محافظه کار و پیر تیم

ملی بزرگسالان در جام جهانی ۲۰۲۶، رسماً بایکوت شده بودند و طعم تلخ نیمکت نشینی یا خط خوردن دقیقه نودی از چشیده بودند. محمد خلیفه، گلر بلند قامت و مستعدی که در آخرین دلائل فنی از لیست نهایی مسافران جام جهانی خط خورد تا جای خود را به تجربه های سنتی بدهد، در این مسابقه با ثبت یک کلین شیت مطمئن و مهار دو موقعیت تک به تک، عیار بالا و آرامش روانی خود را به رخ منتقدان کشید.

در خط دفاع، محمد امین حزباوی با بارونبد کاپتانی، رهبری بی نوسانی را در قلب خط دفاعی به نمایش گذاشت؛ مدافعنی که تا یک قدمی پیرواز به جام جهانی رفت اما پشت درهای تفکرات دفاعی و سنتی کادرفنی بزرگسالان ماند و حالا در تیم امید، با قطع توپ های متوالی و بازی سازی از عقب زمین، نشان داد که فرمانروای جدید دژ دفاعی ایران است. شاهکار قسه اما به نام امیرمحمد رزاقی نیا ثبت شد؛ هافبک طراح و خستگی ناپذیری که در جام جهانی حتی یک دقیقه هم فرصت با گذاشتن بر روی چمن مسابقات را پیدا نکرده و در مقابل یک دقیقه هم فرصت با گذاشتن زخم خورده و با درخواست شخصی و کتبی خود به اردوی امید ملحق شد

و در نخستین بازی، با یک فرار عمقی تماشایی تک گل پیروزی بخش ایران را به ثمر رساند تا به زیباترین شکل ممکن به کادرفنی بزرگسالان ثابت کند سرمایه های آینده این فوتبال کجای زمین آستانه داد

و قطور پای تفکرات نتیجه گر بازنشسته می شوند. برگ برنده و فاکتور متمایزکننده حسین عبدی نسبت به تمامی اسلاف خود در تیم امید، اتمسفر، ایده و جنس نسلی است که امروز در اختیار دارد. او با تجربه ای کار از آغاز کرده که مهره هایش اتمسفر تیم ملی بزرگسالان را تنفس کرده اند، در لیگ های معتبر داخلی و بعضاً خارجی فیکس هستند و سابقه بازی در تورنمنت های فشرده را دارند؛ نعمتی که مربیان پیشین امید همیشه از نبود آن گلایه داشته اند. از سوی دیگر، شناخت ارگانیک، ریشه ای عبدی از این بازیکنان که ناشی از همکاری با آنها از دوران نوجوانی و مسابقات نونهالان است، سرعت انتقال تاکتیکی تیم را دوچندان می کند و نیاز به زمان برای هماهنگی فنی را به حداقل می رساند.

با این حال، نباید در باد برد شیرین مقابل کاپرسی اسپور خوابید و دچار حباب زودرس موفقیت شد؛ چرا که جاده المپیک با وجود غول های مدرن، ثروتمند



مدیریتی و برخی کارشکنی های میزبان نیز در روند آماده سازی تأثیرگذار بوده است. اما این عوامل نمی تواند توجیهی برای نادیده گرفتن ضعف های فنی باشد. پذیرش همزمان مشکلات بیرونی و کاستی های درونی، لازمه اصلاح مسیر است.

در نهایت، مسأله اصلی نه یک مصاحبه، بلکه نوع نگاهی است که در آن نتایج حداقلی به عنوان موفقیت بزرگ معرفی می شود و نقد فنی جای خود را به روایت های احساسی می دهد. فوتبال ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به صداقت، پذیرش ضعف ها و پرهیز از بزرگنمایی نیاز دارد. در غیر این صورت، چنین رویکردی نه تنها به بهبود شرایط کمک نمی کند، بلکه فاصله میان تیم ملی و افکار عمومی را نیز افزایش خواهد داد.



عکس: فدراسیون فوتبال

می شود که چرا بازیکنی ناآماده جای مهره های آماده و سرحال را در فهرست اشغال کرده است. پرونده دنیس اکرت به آینده ای تمام نما از ضعف در فرآیندهای تصمیم گیری ساختار فنی تیم ملی تبدیل شده است؛ پروژه ای پرهزینه و پرهیاهو که ماه ها برای آن برنامه ریزی شد، اما در بزرگترین ویرتین فوتبال جهان به یک تماشاگر صرف تقلیل یافت. سهمیه ای که می توانست سکوی پرتابی برای آینده باشد، در نهایت به یکی از بحث برانگیزترین تصمیمات تاکتیکی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ تبدیل شد.

و با برنامه ای چون ژاپن، کره جنوبی، ازبکستان پیشرو، استرالای فیزیکی و عربستان مجهز، شدت لغزنده و بی رحم است. فوتبال پایه در آسیا دیگر یک زنگ تفریح نیست، بلکه یک تشکیلات فوق حرفه ای است که کشورهای حوزه خلیج فارس و شرق آسیا سالانه میلیون ها دلار صرف آکادمی های آن می کنند. نخستین ایستگاه واقعی برای سنجش عیار تکنیکی و روحی این پروژه، بازی های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا خواهد بود؛ کارزاری فرساینده که با چراغ سبز حمایت قاطع وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک، قطب نمای اصلی و میان مدت امیدهاست. ناگویا مشخص خواهد کرد که آیا این تیم فرمول بقا در دیدارهای متوالی را آموخته است یا خیر. اگر فدراسیون فوتبال حمایت های خود را از این کادر قطع نکند، فیفادی ها را با بازی های بزرگ اروپایی و آفریقایی پر کند و بجای نگاه مقطعی و نتیجه گرایی کور، به معمار پایه ها فرصت جراحی و خطا کردن بدهد، این نسل تشنه، با انگیزه و بایکوت شده می تواند پس از نیم قرن، طلسم تاریخی مونترال را در هم شکسته و پی ریزی مدرن و پایداری برای آینده تیم ملی بزرگسالان انجام دهد تا فوتبال ایران بالاخره از کابوس پیرمردها بیدار شود.